

عنوان مقاله:

دلالت الفاظ بر معانی از دیدگاه اصولیان و زبان شناسان

محل انتشار:

فصلنامه فقه و اصول، دوره 45، شماره 4 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

محمدصادق کاملان - عضو هیئت علمی دانشگاه مفید

صالحه یزدانی فر - دانشجوی دکتری دانشگاه مفید

خلاصه مقاله:

زبان از دو مولفه لفظ و معنا تشکیل شده است و ارتباط وثیق میان لفظ و معنا موجب می گردد تا ذهن انسان از تصور لفظ به تصور معنا منتقل گردد. ماهیت، منشا و خاستگاه این ارتباط همواره مورد توجه فلاسفه زبان، زبان شناسان و اصولیان بوده است. برخی این ارتباط را ناشی از وضع و قرارداد دانسته و برخی دیگر معتقدند که دلالت الفاظ بر معانی دلالت طبیعی است. گروهی آن را حاصل جعل و اعتبار واضع می دانند و گروهی دیگر معتقدند که رابطه واقعی و تکوینی میان الفاظ و معانی وجود دارد. هم چنین دسته ای از صاحب نظران، وضع الفاظ برای معانی را فعل انسان می دانند و معتقدند که بشر الفاظ را برای معانی وضع کرده است و دسته ای دیگر معتقدند که واضع الفاظ و لغات کسی جز خداوند نیست. تمامی نظرات یاد شده و هر آن چه که به نحوی رابطه میان الفاظ و معانی را مورد توجه قرار می دهد تحت عنوان نظریات وضع در زبان شناسی و علم اصول مطرح می گردد. بررسی آراء اصولیان و زبان شناسان در این مقاله روشن می سازد که انتقال ذهن از الفاظ به معانی، مطابق یک قانون عام از قوانین ذهن بشری صورت می گیرد که زبان شناسان و روان شناسان آن را قانون تداعی معانی نامیده اند. بدین معنا که اقتران اکید میان لفظ و معنا موجب می شود که تصور لفظ، معنا را در ذهن بشر تداعی نماید. اقتران میان لفظ و معنا خود، ریشه در وضع الفاظ دارد. انسان برای انتقال مفاهیم به دیگران و رفع نیازهای خود در جامعه اقدام به وضع یک سلسله الفاظ نموده است. این وضع و قرارداد، اقتران لفظ و معنا و در نتیجه علاقه و رابطه میان آن دو و در نهایت دلالت لفظ بر معنا را موجب می گردد.

کلمات کلیدی:

زبان، زبان شناسی، معنا شناسی، الفاظ، معانی، وضع، واضع

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/629392>

